

طراز روایات اول شد اما بوساطت چین اقامت کا برقیعی و بی
پریشان با ترک دیدن سلوکی القاطنقا و نول اولعین اخبار
اشترک حال ابلکتف ایشدینا علی طریقه محمدان بود در دفع
ارایت روایت اولنور که زه شتر محارب حمزه بن عبد المطلب
اسلامانیدن او کون صکره بر روز یک شی فروزد یاوه کویا
جان فرانش قریش حلقه جھیلند طبع اندازند و در اولوب
اگر چه اصحاب محمدی نظرات باچر کسی پریشان و بی نشان کورنور
انام اولد قده در بای انبوه آتش نشان اولور ع شود قطره
و قطره دریا شود حالاً لارند احتیاط بود که چشم پرین
نابود و سبب اهتمام نمکده مرکبش مقدر و رایده ع علاج
واقعه پیش از وقوع باید کرد دید که نوزده حسود حال انبوه اول
بدکش در واره کنای تصور باطل اولوب سر اندازان قابل عیب
هر کیم شمشیر لاس کون عقیق او شان جلکاه محمد اسمیکه وجودین محمد
سند انش ادب رسد اکا طریقه اگاه مکنان بود و از ان شتر در روی
کوه اندام ابدیک قیه نقره خامه فرق بیک محمدان بسیار در برین

انچه در انچه در
نصف و بالسی و نفا تید با نغم
فیها خاره تجار

توسعه
سرمه

دیدن عمر بن الخطاب داره جسدان قدم کفالته قانوب با با حکم بود
مقوله مصائبه قدم تام خاضعت عمرت اید و کن خود سلو سبب ان انبیا
رهنه باندن پنجس برورینه خانه خانه فلکده مصهر الامامیدرتی سبه
مجد و تحریک هم رجال اچون طرف ساندن بر نظری مناصب در سبب
آبرو جهل ایدی یا عمرست که بوکار انما نه کرسد میناق اولاس تنقی
در کاه لات و عتاب اید و کم بر ستنس حقیق ضمان مال موجوده سبب
اولورین دید که عمر ابرجسلی درون کعبه اللهه اعظم اصنام قریش
یعنی ایتل دید کرای با کاز نازا شیده پیشکانه چکدی مال موجوده
که بود ز و زه فریب است جبار سلوک ایتل اچون آنی که او طریقی عمر
ابو جهلک صدق غوغین حقیق اید و ب طشره جقدی و شمشیر زور
حاجل وارند ایدی و آستین و دامن بر زده قانوب سبب سران
قریش کلکای کفتم جلدی و نظیر قمر لالت و عتی اولورین اگر محمدی
بیکان قبله سیم دیوب صنوبر سبب اید و کی نقوش مال اید سبب
منزله اولدی انشاء طریقه نعیم بن عبد الله الحجاج بود دید که عمر کید را کابینه
سند و سیاهی شرمسان اید و شکر سبب عمر کنایه شکر قده کیدرسان

حسی و سبب

شمشیر

دبیر